



حیبی و فرهنگستان

در دلم بود که بی‌دوست نمانم هرگز
چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود
(حافظ)

دکتر حسن حیبی در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه دوازدهم بهمن هزار و سیصد و نود و یک در تهران درگذشت. وی به سال ۱۳۱۵ در یکی از محلات جنوبی تهران به دنیا آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌های حقوق و جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران و در فرانسه به انجام رساند. حیبی مسلمان مؤمن و ایران‌دوست بود و از آغاز جوانی فعالیت سیاسی را در حوادث سال‌های ملی شدن صنعت نفت تجربه کرده بود و در سال‌های پس از کودتای بیست و هشتم مرداد سال سی و دو تا پیروزی انقلاب در بیست و دوم بهمن سال پنجاه و هفت، در کنار درس و تحصیل و ترجمه کتاب و تحریر مقالات، پیوسته به فعالیت و مبارزه سیاسی نیز اشتغال داشت. او در دوازدهم بهمن پنجاه و هفت، همراه با امام خمینی (ره) از پاریس به تهران آمد و زان پس طی سی و چهار سال تمام (از ۵۷/۱۱/۱۲ تا ۹۱/۱۱/۱۲) عهده‌دار مشاغل و مسئولیت‌هایی شد که اهم آنها به شرح زیر است:

- عضویت هیئت تهیه پیش‌نویس قانون اساسی در پاریس و تهران
- عضویت در شورای انقلاب اسلامی و سخنگویی آن شورا

- معاونت اول رئیس‌جمهور در دوره هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و چهار سال اول ریاست جمهوری آقای خاتمی
- عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی (۵۸/۵/۲۸ - ۵۸/۸/۲۴)
- وزارت علوم و آموزش عالی در دولت موقت (۵۸/۷/۸ - ۵۹/۳/۶)
- نمایندگی مردم تهران در مجلس (۵۹/۳/۶ - ۶۳/۳/۶)
- وزارت دادگستری (۶۳/۵/۲۴ - ۶۸/۵/۲۹)
- عضویت تهیه پیش‌نویس اصلاحیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۶۸/۲/۲۷ - ۶۸/۴/۲۰)
- عضو حقوقدان شورای نگهبان (۶۸/۴/۲۶ - ۹۱/۱۱/۱۲)
- عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی (۶۸/۹/۶ - ۹۱/۱۱/۱۲)
- ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی (از ۱۳۶۹ - ۱۳۷۴ و از ۱۳۸۳ - ۱۳۸۷)
- عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام (۷۰/۲/۱۸ - ۹۱/۱۱/۱۲)
- ریاست بنیاد ایران‌شناسی (از ۱۳۷۶ - ۱۳۹۱/۱۱/۱۲)
- مدیریت گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (از ۱۳۸۳ - ۱۳۸۷).

دکتر حبیبی در همه این مشاغل و مسئولیت‌ها منشأ اثر بود. پُرکاری و دوری از افراط و تفریط و جدال و جنجال منش و روش او بود. وی، با سجایای خاصی که داشت، توانسته بود از همکاری طیف وسیعی از افراد در طول سی و چهار سال خدمت خود بهره‌مند شود. حبیبی به بیان خاطرات و نقش خود در تحولات سیاسی و اجتماعی و ذکر خدمات خویش علاقه‌ای نشان نمی‌داد و از سخن گفتن درباره خود پرهیز می‌کرد. اکنون که روی در نقاب خاک کشیده و برای همیشه خاموش مانده است، جا دارد کسانی که، در دوره‌ای نزدیک به شصت سال فعالیت سیاسی و اجتماعی، با او از نزدیک آشنا بوده و همکاری داشته‌اند خدمات وی را در این سال‌های طولانی (در فرانسه و در ایران) گزارش کنند. صاحب این قلم، به حکم ارادت و احترامی که همواره نسبت به دکتر حبیبی داشته و به مقتضای توفیق همکاری نزدیک با وی در بیست و دو سال پایانی عمرش (از ۱۳۶۹ - ۱۳۹۱) در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در این نوشته سعی خواهد کرد به اختصار

به نقش ایشان در تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و خدمات گوناگون ایشان در این مؤسسه اشاره کند.

ضرورت تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جمهوری اسلامی ایران، که فرهنگستان سوم نام گرفت، تا آنجا که راقم این سطور به یاد دارد، نخستین بار در مرکز نشر دانشگاهی احساس شد. پیش‌نویس اساسنامه آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی، که دکتر حسن حیبی و دکتر نصرالله پورجوادی (رئیس وقت مرکز نشر دانشگاهی) در آن عضویت داشتند، تسلیم شد. اساسنامه فرهنگستان در جلسات ۲۰۸ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ و ۲۰۹ مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۴ به تصویب شورا رسید و نخستین جلسه آن در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۲۶ با حضور اکثریت پانزده تن که با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به عضویت شورای فرهنگستان انتخاب شده بودند تشکیل شد. با مراجعه به مشروح مذاکرات جلسات شورا می‌توان به نقش و سهم حیبی (درکنار بعضی دیگر از اعضا از جمله دکتر نصرالله پورجوادی) در تبیین ضرورت تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی آگاه شد. او، که در آن زمان معاون اول رئیس‌جمهور بود، در پرتو مقبولیت و احترامی که داشت توانست، با استفاده از جایگاه و نفوذ کلام خود، در نخستین سال‌های پس از خاتمه جنگ تحمیلی هشت ساله، در حالی که همه توش و توان دولت می‌بایست صرف ترمیم خرابی‌ها و خسارت‌های جنگ می‌شد، تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دو فرهنگستان علوم و علوم پزشکی را به تصویب رساند. با تأسیس فرهنگستان‌ها، حیبی، تا سال ۱۳۸۰ که در سمت معاونت اول رئیس‌جمهور قرار داشت، ریاست هیأت امنای فرهنگستان‌ها را نیز به موجب قانون بر عهده گرفت.

اما تصویب اساسنامه فرهنگستان‌ها کاری بود و راه‌اندازی آنها کاری دیگر و البته دشوارتر. جلسات اولیه شورای فرهنگستان به ریاست دکتر حیبی در یکی از ساختمان‌های متعلق به ریاست جمهوری (که در حال حاضر مقر ریاست قوه قضائیه است) تشکیل می‌شد. وی در مدت چند ماه توانست برای هر سه فرهنگستان ساختمان‌هایی تأمین کند تا بتوانند، ولو به صورت موقت، در آن ساختمان‌ها استقرار یابند و فعالیت خود را آغاز کنند. دیری نگذشت که فرهنگستان در ساختمان نسبتاً مناسبی در خیابان شهید احمد قصیر (بخارست سابق) کار خود را آغاز کرد. اما دکتر حیبی به این

ساختمان‌های موقت و محدود قانع نبود و با تلاش بسیار توانست موافقت رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و همکاری شادروان مهندس کازرونی، وزیر وقت مسکن و شهرسازی، و نظر مساعد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را با اختصاص زمین وسیع و مرغوب و مناسبی در اراضی تپه‌های عباس‌آباد برای احداث ساختمان‌های دائمی سه فرهنگستان علوم و علوم پزشکی و زبان و ادب فارسی کسب کند. چنین بود که، با تأمین بودجه برای خرید زمین و احداث ساختمان و یافتن شرکت ساختمانی قادر به اجرای نقشه مورد نظر، کلنگ شروع عملیات ساختمانی فرهنگستان‌ها در سال ۱۳۷۴ به زمین زده شد. آری، به برکت سعی و تدبیر و همّت دکتر حیبی بود که امروزه هر سه فرهنگستان در ساختمان‌هایی در کنار هم در منطقه‌ای که آینده فرهنگی پرنشاطی را نوید می‌دهد به کار و فعالیت مشغول‌اند.

اما سهم حیبی را در تأمین زمین و امکانات و ساختمان برای فرهنگستان‌ها نباید به آنچه گفته شد محدود دانست. وی، با عشق و علاقه‌ای که مخصوصاً به زبان و ادب فارسی به عنوان رکن مهمی از ملیت ایرانی داشت، زمین‌های مناسبی در ولنجک و سعادت‌آباد را به تأسیس منازل و مهمانسرای برای استادان و دانشجویان ایرانی و خارجی فرهنگستان اختصاص داد.

علاوه بر این زمین‌ها و ساختمان‌ها، حیبی توانست موافقت یکی از خیرین فرهنگ‌دوست را به اهدای زمین بسیار وسیعی در کرج برای مقاصد علمی و فرهنگی به دست آورد. وی همچنین زمین دیگری به مساحت سی هزار مترمربع از اراضی گردنه قوچک در مشرق تهران را خریداری کرد تا مرکز آموزشی بین‌المللی بزرگی برای آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان در آن احداث شود. امروزه هیچ‌یک از این دو قطعه زمین در اختیار فرهنگستان نیست؛ اما حیبی توانست، با واگذاری یکی از آنها به دولت، مصوبه‌ای مبنی بر جواز استفاده فرهنگستان از ساختمان‌های خود را، پس از انتقال به محل اصلی و دائمی در اراضی عباس‌آباد به دست آورد. در همان سال‌ها جایی در شمال به گذران تعطیلات تابستانی اعضا و کارکنان فرهنگستان اختصاص داد که اگرچه محدود است و امکانات مختصری دارد، مغتنم است.

چنانکه اشاره شد حیبی، در دو نوبت و جمعاً به مدت نه سال، به انتخاب شورای

فرهنگستان رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود (دوره اول از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ و دوره دوم از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷). وی، مخصوصاً در دوره اول ریاست خود که با معاونت اول ریاست جمهوری وی نیز مقارن بود، توانست با شور و عشقی وصف‌ناپذیر و پشتکاری ستودنی به فرهنگستان هویت بخشد و جایگاه آن را در کشور تثبیت کند. حیبی، به موازات تأمین نیازهای سخت‌افزاری فرهنگستان، در اندیشه اجرای وظایف نرم‌افزاری آن، چنانکه در اساسنامه آمده بود، برآمد. از فرهنگستان‌های اول و دوم هیچ مرده‌ریگی عاید فرهنگستان سوم نشد. کتاب‌های کتابخانه و اسناد و سوابق پژوهشی یکجا در اختیار مؤسسه دیگری باقی ماند و، به رغم اصرار و استدلال دکتر حیبی، مدیر آن مؤسسه حاضر نشد آنها را به فرهنگستان منتقل کند. لاجرم همه کارها می‌بایست از صفر شروع شود.

یکی از نخستین وظایفی که اهتمام بدان ضروری بود واژه‌گزینی بود. پیش از آنکه گروه فعلی واژه‌گزینی در فرهنگستان شکل بگیرد و اصول و ضوابطی برای این کار تدوین و تصویب شود، حیبی گروهی را مأمور کرد تا، با بررسی روزنامه‌ها و رسانه‌ها، واژه‌های فرنگی راه یافته به ذهن و زبان عامه را شناسایی کنند. چندصد واژه مشخص شد و بررسی آنها در دستور کار شورای فرهنگستان قرار گرفت تا برای آنها معادل‌یابی شود. در رهگذر تلاش برای یافتن همین معادل‌ها بود که به تدریج خود او و دیگر اعضای فرهنگستان (که آن زمان شمار آنان به بیست و پنج نفر رسیده بود) توانستند «اصول و ضوابط واژه‌گزینی» را تدوین کنند. تدوین این مجموعه کاری ضروری و اساسی بود که از نوع نگاه و مشرب و خط‌مشی فرهنگستان سوم در امر واژه‌گزینی حکایت می‌کرد.

به موازات شروع معادل‌یابی برای واژه‌های عمومی، به تدریج سایر فعالیت‌های علمی فرهنگستان آغاز شد. حیبی، در همان ماه‌های اول آغاز کار، سنگ بنای کتابخانه فرهنگستان را با خریدن چندین کتابخانه معتبر شخصی بنا نهاد و آن را سامان داد. یک بار مجموعه‌ای بالغ بر هزار جلد فرهنگ لغت از کسی خرید که عشقش در همه عمر گردآوری فرهنگ بود. در نخستین سال‌ها، وی به تدریج، در اجرای وظایف فرهنگستان، به تشکیل گروه‌های علمی و پژوهشی هم‌ت‌گماشت. گروه واژه‌گزینی، گروه فرهنگ‌نویسی، گروه زبان‌های باستانی ایران، گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی (گروه تحقیقات ادبی)، گروه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند، گروه گویش‌های ایرانی، گروه

دستور زبان و گروه دستورخط فارسی، یکی پس از دیگری، با رأی شورای فرهنگستان آغاز به کار کرد و مدیریت هر گروه به یکی از اعضای شورا واگذار شد.

یکی از کارهای مهم دکتر حبیبی در فرهنگستان اهتمام به تدوین دستور خط فارسی بود. گروهی از اعضای پیوسته همراه با بعضی صاحب نظران دیگر مأمور تهیه طرح دستورخط فارسی شدند. توسعه امکانات رایانه‌ای به چاپ و حروفچینی مفهوم جدیدی بخشیده بود. هر فرد یا هر ناشری می توانست در داخل و خارج کشور به سلیقه خود راه و رسمی در خط فارسی در پیش گیرد. جلوگیری از تشتت و آشفتگی ضروری بود و فرهنگستان، در دوره پنج ساله اول ریاست دکتر حبیبی، بیش از هر امر دیگری به تدوین و تصویب دستورخط فارسی همت گماشت. جلسات تصویب دستورخط بعد از استعفای دکتر حبیبی از ریاست فرهنگستان در سال ۱۳۷۴ نیز ادامه یافت و نهایتاً، پس از پنجاه و نه جلسه بحث و بررسی سنگین و دقیق در شورا، در سال ۱۳۸۰ دستورخط مصوب آماده اعلام و انتشار گردید.

گروه واژه‌گزینی نیز با تصویب اصول و ضوابط واژه‌گزینی آغاز به کار کرد و توسعه یافت. استخدام و تربیت کارشناسان، دعوت از صاحب نظران متخصص در رشته‌های متعدد برای تشکیل گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی (که شمار آنها در حال حاضر با احتساب گروه‌های برون‌پذیر به هفتاد گروه بالغ می‌شود)، تشکیل شوراهای بررسی مقدماتی، تدوین انواع نرم‌افزارهای لازم، و طراحی مسیر حقوقی و قانونی برای تأیید نهائی واژه‌های مصوب از جانب ریاست جمهوری اموری بود که در دوره اول ریاست دکتر حبیبی به انجام رسید.

حبیبی به میراث زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند به دیده اعجاب و تحسین می‌نگریست و بر زوال تدریجی روتق و شکوه این زبان در آن خط افسوس می‌خورد. او، برای حفظ یادگارهای کهن دوران رواج فارسی در هند، طرح تشکیل «گروه تدوین دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره» را به شورای فرهنگستان آورد و، با تصویب آن و تأسیس گروه از جمعی از صاحب نظران برای کار در این گروه دعوت کرد.

حبیبی به گردآوری گویش‌های ایرانی، که بسیاری از آنها را در خطر انقراض می‌دید، علاقه بسیار داشت. شخصاً با کمک دکتر عبدالنبی سلامی و دکتر بقائی، موضوع گردآوری گویش‌های فارس و کرمان را تعقیب می‌کرد. به گردآوری اصطلاحات صناعات

و حرفه‌های سنتی نیز توجه داشت و با بعضی علاقه‌مندان به این اصطلاحات جلساتی منظم داشت.

مجله نامه فرهنگستان، که فصلنامه است و شماره پنجاهم (شماره دوم دوره سیزدهم) آن برای چاپ و نشر آماده می‌شود، در زمان دکتر حبیبی انتشار یافت. دکتر حبیبی بر وزانت علمی مجله تأکید می‌کرد و خود برای آن مقالات متعددی نوشت که گواه بر فضل دانش وی تواند بود.

در کنار بسیاری از واحدها و گروه‌های فرهنگستان، شوراهایی به وجود آمد تا خط مشی آنها را ترسیم و بر اجرای آن نظارت کند. حبیبی در عموم این شوراها عضو بود و، در زمان ریاست خود، ریاست آنها را بر عهده داشت.

بزرگداشت اعضای پیوسته دانشمند فرهنگستان به ویژه در حیات آنان وظیفه‌ای بود که دکتر حبیبی از آن غفلت نمی‌کرد. یکی از نخستین جلسات بزرگداشت را به استاد محمد تقی دانش‌پژوه اختصاص داد و این سیره پسندیده را در حق استادان دیگری نظیر سید محمد طباطبائی و احمد آرام نیز معمول کرد. اندکی بعد، آئین بزرگداشت اعضای پیوسته فرهنگستان‌ها از جانب مقام ریاست جمهوری نظم و نسق بهتری یافت و، همزمان با برگزاری آئین نکوداشت، جشن‌نامه‌هایی به قلم بعضی از اعضای پیوسته و صاحب‌نظران فراهم آمد که بسیاری از آنها زیر نظر دکتر حبیبی انتشار یافت.

حبیبی، در دوره دوم ریاست خود بر فرهنگستان (۱۳۸۳ - ۱۳۸۷)، با آنکه روحاً و جسماً نشاط سابق را نداشت، منشأ اقدامات مفید دیگری شد که یکی از آنها تجدید نظر در اصول و ضوابط واژه‌گزینی بود و خود در تدوین اصلاحیه و تصویب آن در شورای فرهنگستان نقش اساسی داشت. در این سال‌ها، وی مدیریت گروه واژه‌گزینی را نیز بر عهده گرفت. از جمله اقدامات کارساز وی در این دوره واگذاری واژه‌گزینی به انجمن‌های علمی و گروه‌های ذی‌صلاح بیرون از فرهنگستان بود که در قالب «طرح برون‌سپاری» به مرحله اجرا درآمد و همچنان باقی است.

حبیبی، در کنار کارهای منظم و سازمان‌یافته در فرهنگستان، از کارهای متفرقه‌ای که می‌توانست در پیشبرد این مؤسسه مؤثر باشد یا سبب تقویت بنیان آن و کمک به اعضا و

کارکنان آن شود غافل نبود. حال ممکن بود چنین کارهایی نوعاً گاه خرید اثر هنری نفیس برای حفظ در فرهنگستان یا تأمین داروی کمیاب برای استادی باشد که سلامت او مغتنم بود.

حیبی به فرهنگستان زبان و ادب فارسی عشق می‌ورزید از آن جهت که به ایران و فرهنگ ایران عشق می‌ورزید و زبان و ادب فارسی را آئینه صیقلی این فرهنگ می‌دانست و البته این تنها جلوه فرهنگ ایران اسلامی نبود که حیبی بدان اهتمام داشت. هر جا نام ایران در میان بود و پای ایران به میان کشیده می‌شد حیبی غیرتمندانه و هوشمندانه وظیفه‌ای را بر عهده می‌گرفت. احصاء همه خدمات او به فرهنگ ایران از یک قلم بر نمی‌آید هر چند تنها خداست که می‌داند او چه خدمات‌ها به فرهنگ این کشور کرده است.

غلامعلی حدّاد عادل*



* ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی.